روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۰ • ۲۹ ذی‌القعده ۱۴۴۲ • ۱۰ جولای ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۴۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۳
اذان صبح فردا ۴:۱۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا


**نور نوشت**

کارگران شهرداری خرمشهر به دلیل عدم پرداخت حقوق، دست از کار کشیده‌اند و کوچه‌ها پر از زباله شده است. عکس: رضا دریس، باشگاه خبرنگاران جوان

روایت

## جنِ حاج معاد

سیدشهاب‌الدین طباطبایی

شب عجیبی بود، از همیشه تاریک‌تر، شاید رفتار ارواح احضارشده هم بابت همین تاریکی سیاه‌تر از همیشه عجیب و غریب بود. با این فکر خیالش را راحت کرد که اتفاقی نیفتاده. موقع خواب جوری که ارواح خسته از چند ساعت حضور در آن اتاق هم بشنوند بلند گفت امشب خیلی تاریک بود. راحت‌تر بود که فکر کند دلیل شکسته‌شدن شیشه دوسانتی روی میز ناهارخوری و خردشدن پایه آباژور بابت تاریکی غیرطبیعی آن شب بوده است.

واقعیتش اما این بود که آنها خسته شده بودند، یک هفته هر شب سؤال‌پیچشان کرده بود، بعضی چیزها را نمی‌شد گفت، اصرار می‌کرد و جان عزیزانشان را قسم می‌داد و تهدید می‌کرد که سراغ زنده‌هایشان می‌رود. روح سرگردان آدم‌های نجیبی را احضار کرده بود. روح آدم‌های نجیب هم بالاخره از کوره درمی‌رود و آن شب چندتایی از آن روح‌های آرام آدم‌های خوب، تند شده بودند. منع داشتند که آسیبی به آدم‌های زنده بزنند، چیزهای توی اتاق را پرت کرده بودند. تفاوتشان با ارواح خبیث همین بود. ارواح خبیث آنهایی بودند که روحشان در دنیا آزار دیده بود، متعلق به آدم‌هایی که از بچگی بی‌دلیل کتک خورده بودند، تحقیر شده بودند و تا روز آخر زندگی روی خوش ندیده بودند. ارواح عاصی با آزار و اذیت زندگان تلافی می‌کردند و کسی هم مانعشان نمی‌شد. وارد بدن احضارکننده می‌شدند و آسیب می‌زدند؛ اما اینها فرق داشتند، مشکلی نداشتند، تا جایی که می‌شد همراهی می‌کردند و جواب می‌دادند، بعضی چیزها را اما نمی‌شد گفت. و او اصرار داشت بداند. نه اجازه داشتند دروغ بگویند و نه می‌توانستند جوابش را بدهند، حتی ارواح خبیث هم از گفتن دروغ منع شده بودند.

شب تمام بود، در لحظه هم‌زمانی روشنایی و تاریکی، آخرین روح سرگردان از اتاق خارج شد. دراز کشیده روی تخت با چشم‌های بسته هم می‌توانست رفتنش را ببیند. در لحظه‌ای که فکر می‌کرد روح از اتاق رفته، چشم‌هایش را باز کرد. چیزی شبیه ارتعاش تارهای صوتی حنجره، به پرده گوشش رسید. خیلی زود زمزمه ملایم تارها به نعره‌های گوش‌خراشی تبدیل شد که کاسه سرش را سنگین و سنگین‌تر می‌کرد؛ آن‌قدر سنگین که تکان‌دادنش غیرممکن بود. بهت‌زده چشم‌هایش را بست، تسلیم صدای هوهوی بلند بی‌وقفه داخل سرش، میخکوب و بی‌حرکت در شرایطی که حتی نمی‌توانست زیر لب از خدا طلب بخشش یا کمک کند، منتظر بیرون‌رفتن جان از بدنش شد. در دقیقه‌ای که برای او ساعت‌ها گذشت، صداها به همان سرعتی که سرش را تسخیر کرده بودند رفتند. جرئت یا توان بازکردن چشم‌هایش را نداشت. مطمئن بود که این یکی را می‌شناخت. روح بی‌قرار کسی بود که یک سال تمام آزارشان داده بود و حالا دوباره سروکله‌اش پیدا شده بود. با چشم‌های بسته هم خوب می‌شناختش.

بیشتر از یک سال گذشته بود، شبی که دکترها قطع امیدشان را راحت و شمرده برایش تشریح کرده بودند، اول از مادر و خواهرها خواسته بود هرچه توسل و دعا بلدند بخوانند بعد هم سراغ حاجی معاد یکی از جن‌گیرهای معروف شهر رفته بود، پدرش زیر دستگاه ونتیلاتور با کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کرد. ذره ویروسی حدود ۷۰ درصد ریه حاج مختار، عزیزترین عضو خاندان مرتضایی را درگیر کرده بود، کرونا این بار هم سراغ یکی از بهترین‌ها رفته بود، مردِ خانواده‌دوست و نجیب و دست‌به‌خیری که مورد احترام همه بود، به زورِ دستگاه نفس‌های آخرش را می‌کشید.

حاج معاد آن شب دست به دامان یکی از مجرب‌ترین اجنه شناخته‌شده آن دوره شد. می‌گفتند سال‌هاست که شب‌ها با هم غذا می‌خورند. نزدیک اذان صبح بالاخره جن با اکراه راضی شد ویروس را متوقف کند، زمزمه‌ای وهم‌آلود پیچید توی اتاق و لحظه‌ای انگار منفی‌ترین انرژی‌های دنیا رفت توی تن او و حاج معاد که بی‌اختیار می‌لرزیدند؛ آن‌قدر که متوجه ترک شیشه روی میز نشدند.

پرستاری که صبح زود برای تزریق دارو و گزارش‌گیری از وضعیت بیمار وارد اتاق شد، فکر می‌کرد اتاق را اشتباهی آمده، مریض روبه‌موت به‌طور حیرت‌آوری سرحال شده بود. پدری که وصیتش را نوشته بود و آرام برای مرگ آماده می‌شد، در کمتر از یک روز سرپا و قبراق با پای خودش مرخص شد. جنِ حاج معاد تا اینجا کار خودش را خوب انجام داده بود. در همان یک هفته اول، بیمار برگشته از مرگ با شتاب باورنکردنی مشغول خراب‌کاری شد. وصیت‌نامه تقسیم ارث و میراث را پاره کرد. از تصمیمش برای بخشیدن مانده حساب بانکی‌اش به کهریزک پشیمان شد. در عوض برای خواهر خوش‌بروروی پرستار بیمارستان ویلای کوچکی در چالوس خرید. صیغه موقتشان را همان‌جا خواندند و وقتی بچه‌ها و نوه‌ها تلاش می‌کردند مادربزرگ خبردار نشود، راست‌راست توی چشم‌های پیرزن نگاه کرد و گفت عاشق شده است.

ایران‌خانم با این خیال که قرار نیست سروکله هووی ۳۰ساله‌اش این طرف‌ها پیدا بشود چند روزی به روی خودش نیاورد، صبح روزی که با صدای قربان‌صدقه‌های شوهرش بیدار شد، گل از گلش شکفت، بیچاره که فکر کرده بود مختار شرمنده شده و برای جبران مافات برگشته، با دیدن دخترک هفت قلم آرایش‌کرده وسط حیاط نصف صورتش فلج شد. دخترها رسیدند و خوب که زن‌بابای جوانشان را دید زدند، زیرلبی چندتا فحش به پدر دادند و دست مادر نیمه‌سکته‌ای‌شان را گرفتند و بردند که نوبتی مراقبش باشند. ایران‌خانم ۱۲ روز بیشتر تحمل نکرد، صبح اولین روز ماه رمضان روحش پر کشید. نماند تا ببیند باغ کرج و خانه تجریش هم به اسم زن صیغه‌ای حاج مختار شد.

چشم‌هایش خیره ماند به آباژوری که روی پایه‌اش نبود، روح مختار توی گوشش التماس می‌کرد. بسم‌الله گفت و سرش را برگرداند. خورشید اصرار داشت اثری از تاریکی دیشب نماند. چشم‌هایش روی رد نور خیره ماند. بالاخره ردی از جن حاج معاد پیدا می‌کرد. فقط با روح معذب پدر آرام نمی‌گرفت. بالاخره انتقام می‌گرفت. هیچ‌وقت رضایت نمی‌داد.

چهره هفته

## توصیه «زندگی گاندی‌وار» احمدی بیغش را «چهره هفته» کرد

در هفته گذشته مسئله خاموشی‌های تهران، کندی واکسیناسیون در ایران و بن‌بست مذاکرات هسته‌ای در وین از موضوعاتی بود که واکنش‌های زیادی به همراه داشت. در این میان «محمود احمدی‌بیغش»، نماینده شازند و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، در واکنش به تمدید مهلت آژانس حرف‌هایی زد که با رأی خوانندگان «شرق» به عنوان «چهره هفته» انتخاب شد. احمدی‌بیغش، نماینده مجلس، با تأکید بر اینکه ما راهی نداریم جز اینکه روی پای خودمان بایستیم، یادآور شد: «مرحوم گاندی چگونه زندگی کرد؟ ما هم باید همین‌طور باشیم، اگر به سمت زندگی برویم که به خودمان متکی باشیم (با هزاران سختی که دارد) و تحریم‌ها را تحمل کنیم، می‌توانیم». حرف‌های آقای بیغش البته با واکنش‌های زیادی در فضای مجازی همراه بود و کاربران فراوانی به آن واکنش نشان دادند.

رقیب احمدی‌بیغش در این نظرسنجی هم یک نماینده مجلس دیگر بود؛ ابوالفضل ابوترابی، عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی گفت: تجربه کشورهای جهان نشان می‌دهد که واکسیناسیون چندان مؤثر نبوده و اولویت امروز جامعه نباید واکسیناسیون باشد، بلکه اولویت اصلی رعایت پروتکل‌های بهداشتی است.

احمدی‌بیغش ۶۵ درصد آرا و ابوترابی ۳۵ درصد آرا را در این نظرسنجی کسب کرده‌اند.

shargh.newspaper

هفته‌نوشت

## مسئله فرهنگی بحران آب

الهام فخاری
عضو شورای شهر تهران

هنوز چهره گندمگون کودک که از بی‌آبی و دشواری‌ها رو به مخاطب چاره می‌جوید و کمک می‌خواهد، به گریه می‌افتد و بی‌پناه است، پیش‌روی همگان است. ارتش جمهوری اسلامی ایران به یاری شتافته و امیدهایی پدید آورده است.

پهنه بزرگی از این سرزمین در برابر خشک‌سالی و گرما و نبود برنامه پیشگیری‌کننده در گریه‌های دختر خردسال نمود یافت و تصویرش دست به دست و گوشی به گوشی گشت. تشنگی بخش‌های زیادی از ایران و درماندگی مردم در شرایط سخت و توان‌فرسا واقعیتی است که پس از دهه‌ها هشدار کارشناسان و برآورد متخصصان پیش‌روی امروز ماست.

اقلیم‌شناسان همواره از بایستگی پایش و مدیریت منابع محدود سخن گفتند و چه بسیار گفته‌هایشان بر کاغذهای مقاله‌های همایش‌های علمی ماند بدون آنکه به کار و برنامه‌ای اثربخش برای پیشگیری از این درماندگی تبدیل شود.

آب همواره در تاریخ تمدن آدمیان منبع کلیدی و مایه تنظیم آبادانی، شکوفایی و رونق و دستمایه تنظیم قدرت بوده است. کشورهایی که از منابع آب شیرین کم‌بهره بوده‌اند، به محض برخورداری از سود منابع دیگرشان در پی دستیابی به فناوری تبدیل آب شور برآمده‌اند تا بتوانند این نیاز پایه را برآورده و دستمایه تنظیم قدرت را از آن خود کنند. این در حالی است که ایران به مثابه مهد بالندگی و گسترش تمدن‌های کهن و بزرگ همواره برخوردار از سرچشمه‌ها، رودها و جریان‌های فصلی آب شیرین بوده و از سویی از میراث کهن، راهبردی و یگانه‌ای مانند کاریز (قنات) بهره برده ولی امروز درگیر چالش مدیریت منابع آب شیرین شده است.

ناآگاهی از ارزش کلیدی رشته‌های کاریز در پهنه سرزمینی، ناهماهنگی برنامه‌ها و بی‌توجهی به دگرگونی‌های اقلیمی و جمعیتی به بهره‌برداری نادرست و فزون بر توان اقلیم انجامیده و در تنظیم رابطه با همسایگان و حقابه‌های مشترک وضعیت مدیریت منابع آب را در کشورمان دچار چالش‌های توان‌فرسا کرده است.

فشار جمعیتی در برخی کانون‌ها، نبود برنامه اقدام برای پیش‌بینی و پیشگیری، توسعه نامتوازن صنایع آب‌بر، نداشتن برنامه توسعه فناوری‌های نوین در مدیریت اقلیم همگی بر پیچیدگی شرایط افزوده است.

در چنین وضعیتی شوربختانه به گونه‌ای کلیشه‌ای نهادهای رسمی پیکان را به سوی مردم و فرهنگ مصرف بازمی‌گردانند؛ در حالی که مسئله آب در پهنه گسترده سرزمین مسئله مصرف نیست، بلکه مسئله اصلی برنامه‌ها و راهبردهای مدیریت منابع آب، تقسیم سهم آب، تنظیم صنایع با اقلیم و تدبیر نظام توزیع آب سازگار با اقلیم است.

به سخن دیگر، مسئله آب در ایران چالشی مدیریتی و فرهنگ مدیران عالی کشور در زمینه توسعه پایدار و آب است نه فرهنگ مصرف مردم. مسئله آب یک واقعیت است و مسئله ما امروز فرهنگی هم هست. چهره رنجیده و تشنه دختر ایران نمود درماندگی مردم در برابر فرهنگ چالش‌آفرین مدیریت منابع طبیعی و آب در طی دهه‌هاست و پرسش او در واقع به نمایندگی از جامعه خطاب به مدیریت کشور است. آیا نظام مدیریتی این تشنگی و پرسش را دریافته و در پی چاره‌جویی است؟ امید که پیش از آنکه از این سخت‌تر شود، راه چاره‌جویی باشد.

پرنده آبی

## سکوت خبری ۲ هفته پس از جان‌باختن ۲ خبرنگار

دو هفته از حادثه تصادف اتوبوس خبرنگاران در بازدید از پروژه‌های احیای دریاچه ارومیه می‌گذرد؛ حادثه‌ای که به مرگ دو خبرنگار منجر شد و چند خبرنگار دیگر همچنان با آسیب‌های آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما گذشت این بازه زمانی از چنین حادثه دردناکی هنوز به واکنش عملی درخصوص این حادثه منجر نشده است. شاید تنها خبری که بر اثر عوارض جانبی این حادثه در روزهای اخیر منتشر شده توجه ویژه به استانداردهای سفر خبرنگاران در یکی دیگر از بازدیدهای عمومی بود. روز گذشته تعدادی از خبرنگاران و عکاسان خبری از سد کرخه در خوزستان بازدید کردند که طبق اخبار منتشرشده اتوبوس‌های آنها با همراهی خودروی پلیس راهور حرکت می‌کرد. همچنین مسئولان برگزاری این بازدید اعلام کرده بودند اتوبوس‌ها پیش از این سفر معاینه شده بود و تمهیدات لازم برای این سفر دیده شده بود. البته معلوم نیست چنین ملاحظاتی صرفا به دلیل حساسیت‌های بعد از حادثه ارومیه رخ داده یا یک پروتکل کلی برای ماجرای سفر خبرنگاران لحاظ شده است؛ چراکه خبرنگاران معترض به حادثه ارومیه در میان خواسته‌هایشان بارها بر این موضوع هم تأکید کرده بودند که باید ماجرای سفرهای کاری خبرنگاران با ملاحظات بیشتری انجام و تدابیری برای امنیت آنها در سفرها اندیشیده شود. علی ربیعی و سیدعباس صالحی هم که در چند روز گذشته در مراسم یادبود خبرنگاران درگذشته حاضر بودند و سخنرانی کردند، بر این مسئله تأکید کردند. اما ماجرای تصادف اتوبوس خبرنگاران در ارومیه به کجا رسید و چه اتفاقی برای مقصرهای آن رخ داد. آخرین خبری که از اظهارنظرها درخصوص آخرین وضعیت این پرونده موجود است حرف‌های مسعود تجریشی است. نماینده تام‌الاختیار دبیر کارگروه ملی و مجری طرح نجات دریاچه ارومیه درباره اطلاعیه پلیس مبنی بر اینکه یکی از علل واژگونی اتوبوس خبرنگاران محیط زیست «بی‌مبالاتی و قصور مسئولین هماهنگی سفر به علت عدم تأمین وسیله نقلیه مناسب» بوده است، به ایسنا گفت: پلیس از دیدگاه کارشناسی خود مقصران این حادثه را اعلام کرده است ولی قاضی پرونده با بررسی تمامی گزارش‌ها و مصاحبه با افراد، نظر نهایی را در این زمینه خواهد داد. قاضی پرونده از روز دوشنبه (۷ تیرماه) کار خود را در زمینه پرونده واژگونی اتوبوس خبرنگاران آغاز کرده و در حال جمع‌آوری مدارک از دستگاه‌های مختلف اعم از نیروی انتظامی، سازمان حفاظت محیط زیست، هلال احمر و... است. حدود ۱۰ روز پیش پلیس اطلاعیه‌ای درباره علت‌های واژگونی اتوبوس خبرنگاران و سربازان منتشر کرد که بر اساس آن «بی‌احتیاطی راننده اتوبوس به علت عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از تخطی از سرعت مطمئنه در پیچ و شیب (نقض ماده ۱۲۹ و ۱۳۰ آیین‌نامه راهور) و بی‌مبالاتی و قصور مسئولین هماهنگی سفر به علت عدم تأمین وسیله نقلیه مناسب و آشنانبودن راننده با شرایط راه و جغرافیای منطقه بدون هماهنگی با ادارات مرتبط با ایمنی ترافیک» به عنوان علل واژگونی اتوبوس خبرنگاران اعلام شد.

یک رویداد دیگر هم در روزهای گذشته موجب شد تا بار دیگر توجه بسیاری به مسئله تصادف اتوبوس و جان‌باختن خبرنگارها در راه ارومیه جلب شود. اواخر هفته گذشته بود که خبر رسید به دلیل آب‌بازی گردشگران در یک کاروانسرا در دودهک، رئیس میراث فرهنگی شهرستان دلیجان عزل و کاروانسرا پلمب شد. این تصمیم‌ها در فاصله یکی، دو روز بعد از انتشار فیلم‌های آب‌بازی در این کاروانسرا رخ داد. سرعت عمل در واکنش به این حادثه و در مقابل آن بی‌عملی درخصوص مقابله با مسئولان سفر ارومیه موجب اعتراض بسیاری در شبکه‌های اجتماعی شد. حسن ظهوری خبرنگاری که در حادثه تصادف اتوبوس خبرنگاران دچار آسیب‌های جدی‌ای شده بود، در واکنش به این خبر در حساب توییتری‌اش نوشت: «برای آب‌بازی که نمی‌دانم کجای قانون جرم است، کاروانسرایی تعطیل، مدیر میراث شهرستان عزل و پروانه آژانس مسافرتی را لغو می‌کنند. آن‌هم در کمتر از یک هفته. آن‌وقت اتوبوس خبرنگاران بر اثر بی‌درایتی عده‌ای چپ می‌کند، دو جوان جانشان را از دست می‌دهند، هنوز آب از آب تکان نخورده است».

خبر

### فایزر- بیون‌تک به‌دنبال مجوز دُز سوم واکسن

فایزر- بیون‌تک که از پیشگامان تولید واکسن کووید۱۹ در جهان محسوب می‌شود، برای ایمنی بیشتر در برابر گونه‌های جهش‌یافته ویروس کرونا تزریق دُز سوم را توصیه کرده است. این شرکت آمریکایی- آلمانی در حالی اعلام کرده که از هفته‌های آینده درخواست مجوز دُز سوم واکسن تولیدی خود را به‌ویژه در ایالات متحده و اروپا ارائه می‌کند که سویه جهش‌یافته دلتا این روزها در بسیاری از نقاط جهان به همه‌گیری بیماری کووید۱۹ دامن می‌زند. دُز سوم واکسن فایزر- بیون‌تک حکم یادآوری را دارد و برای تقویت ایمنی و محافظت بدن در برابر گونه‌های جهش‌یافته ویروس بناست به افرادی که دو دُز نخست را دریافت کرده‌اند، تزریق شود. تولیدکنندگان واکسن فایزر با اعلام اینکه از نتایج آزمایش‌های جاری برای دُز سوم بسیار دلگرم شده‌اند، یادآور شدند که قصد دارند داده‌های مرتبط با این آزمایش‌ها را در هفته‌های آینده به آژانس‌های دارویی ایالات متحده آمریکا و اروپا ارائه دهند و درخواست مجوز برای دُز سوم کنند. بنا بر آنچه شرکت فایزر- بیون‌تک مدعی شده داده‌های مقدماتی بررسی‌شده نشان می‌دهد که تزریق یک دُز یادآوری دیگر شش ماه پس از دُز دوم، شرایط مساعدی برای ایمنی سازگار در بدن دریافت‌کنندگان ایجاد می‌کند و سطح بالایی از پادتن‌های خنثی‌کننده علیه ویروس کرونا ازجمله گونه جهش‌یافته بتا را که برای نخستین بار در آفریقای جنوبی شناسایی شد، برمی‌انگیزد. گفته می‌شود سطح فعال‌سازی پادتن‌های خنثی‌کننده بر اساس نتایج آزمایش‌های دُز سوم، پنج تا ۱۰ برابر بیشتر از سطوح مشاهده‌شده پس از دریافت دو دُز نخست واکسن است.

زیر آسمان ایران

## کرونا؛ سیلی که محرومیت را بالا آورد

زهرا روستا

● رودخانه کاجو دوباره با سیلاب فصلی طغیان کرد. درپی آن راه ارتباطی ۳۳ روستای شهرستان قصرقند مسدود شده است. هر بار که در قصرقند باران ببارد، کاجو طغیان می‌کند و راه ارتباطی روستاهای اطراف آن قطع می‌شود. بعد از هر طغیان، همه به یاد می‌آورند باید کاری کرد. کارهای کوچک و کوتاه‌مدت، راه گریز از سیل و التیام زخم‌های مردم حاشیه کاجو نیست. سیل فروکش می‌کند، همه‌چیز فراموش می‌شود و باز مردم می‌مانند و مشکلاتشان.

کاجو نماد تمام محرومیت‌های سیستان‌وبلوچستان است. زیرساخت‌هایی که بحران‌ها نبودنشان را به تلخ‌ترین شکل ممکن نشان می‌دهد. چهره مرگ‌بار سویه دلتای ویروس کرونا هم آن سیل سهمگین است که آمده تا کمبودها را با قیمت جان مردم جنوب شرق به رخ بکشد.

روزهای پس از انتخابات خرداد، کرونای هندی که قبلا نامش را فقط در اخبار می‌شنیدیم، شهرهای سیستان‌وبلوچستان را فراگرفت. حالا دلتا نام گرفته است. قرمزی رنگ نقشه از نوار جنوبی استان آغاز و در زاهدان به سیاه نزدیک شد؛ استانی که تا قبل از خرداد، آمار تعداد مبتلایانش زیر میانگین کشوری بود، با جهش چندبرابری در ابتلا به ویروس کرونا مواجه شد. برای مثال مطابق آمار چند روز قبل، نزدیک به ۲۴ درصد مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در کشور مربوط به استان سیستان‌وبلوچستان بود، درحالی‌که این استان کمتر از ۳،۵ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است. البته باید به این آمار، مرگ‌ومیرهای در خانه و افرادی که در بیمارستان یا اورژانس بستری شده‌اند و پیش از مشخص‌شدن نتیجه تست جان خود را از دست داده‌اند، اضافه کرد. خیلی بی‌شناسنامه‌ها هم نه می‌توانند به بیمارستان مراجعه کنند و نه مرگشان در جایی ثبت می‌شود. شاید با این نگاه تصویری درست‌تر از وضعیت فاجعه‌بار این استان به دست آید.

برای مقابله با این فاجعه چقدر زیرساخت بهداشت و درمان وجود دارد؟ به گفته رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی زاهدان، این استان ضعیف‌ترین زیرساخت‌های بهداشتی در سطح کشور را دارد. در پژوهشی با عنوان «رتبه‌بندی سلامت استان‌های کشور» سیستان‌وبلوچستان در کنار دو استان دیگر در وضعیت «وخیم» سلامت قرار گرفته‌اند. در مقایسه با استان‌های هم‌جوار (کرمان، هرمزگان و خراسان جنوبی) با اختلاف فاحشی سیستان‌وبلوچستان در رتبه آخر تعداد مراکز مراقبت‌های اولیه، منابع فیزیکی و منابع انسانی بخش بهداشت و درمان قرار دارد. نماینده چابهار نیز در پاسخ به وزیر بهداشت که تعداد تخت‌های خالی استان را ۴۰۰ تخت اعلام کرده بود، گفت: «از پهنه جاسک تا راسک، جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر زندگی می‌کنند. بر اساس استانداردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باید هزار و ۷۰۰ تخت بیمارستانی می‌داشتیم اما تنها ۲۰۰ تا ۳۰۰ تخت داریم».

کمبود تجهیزات پزشکی ویژه این بیماران از قبیل دستگاه‌های اکسیژن‌ساز، دستگاه‌های اسکن ریه و حتی کیت‌های تشخیص کرونا مردم را سرگردان و کادر درمان را فرسوده کرده است. در برخی شهرها مردم برای انجام یک تست پی‌سی‌آر مجبورند مدت‌ها در نوبت بمانند. در رتبه‌بندی شاخص‌های بهداشتی استان از میان ۱۹ شهرستان، سراوان رتبه ششم را دارد، با این حال از دو بیمارستان این شهر، یکی آن‌قدر فرسوده است که جوابگوی نیاز شهروندان نیست. در شهرهای با شاخص‌های پایین‌تر شرایط وخیم‌تر است. حتی در این امکانات کم بهداشتی هم بی‌عدالتی از شمال تا جنوب استان مشهود است. زابل مرکز سیستان رتبه یک شاخص‌ها را به خود اختصاص داده درحالی‌که چابهار، تنها بندر اقیانوسی کشور، در این رتبه‌بندی هشتم است. یکی از مهم‌ترین مواردی که این روزها با جان بیماران بازی می‌کند، افت فشار اکسیژن در بیمارستان‌هاست. با اینکه در یک سال و نیم گذشته فشار اکسیژن بیمارستان‌های استان سه برابر شده باز هم شدت و گستردگی بیماری آنچنان است که گاهی بیماران بر اثر کاهش فشار اکسیژن از دست می‌روند. زیرساخت‌های بیمارستانی هم امکان افزایش بیشتر فشار اکسیژن را نمی‌دهد. در این شرایط وخیم پزشکان بومی استان کجا هستند؟ سالانه تعداد زیادی از دانشجویان علوم‌پزشکی با استفاده از سهمیه بومی پذیرش می‌شوند و با اخذ تعهد خدمت، در اینجا تحصیل می‌کنند. سال‌هاست مسئولان با تأکید بر بومی‌گزینی سعی می‌کنند نیروهای مراکز بهداشتی استان را تأمین کنند، اما باز هم شاهد کمبود نیرو هستیم. در حوزه جنوب استان با زیرساخت‌های آموزشی بسیار پایین‌تر از میانگین کشوری، دانش‌آموزان امکان رقابت با دانش‌آموزان شمال و مرکز استان را ندارند، در نتیجه، از رقابت در رشته‌های پزشکی باز می‌مانند. مسئولان باید بررسی کنند در حوزه سواحل مکران چند نفر از دانش‌آموزانی که از کم‌ترین امکانات آموزشی هم برخوردار نیستند موفق به پذیرش در رشته‌های پزشکی شده‌اند. با وجود چند دانشگاه علوم‌پزشکی در استان، همچنان ۱۰ شهر استان بیمارستان ندارد و به گفته نمایندگان مجلس نیمی از مراکز درمانی بدون نیروی متخصص کار می‌کنند. منطقه مکران بدون بخش ویژه عفونی در بیمارستان‌هایش، فقط یک متخصص عفونی دارد.